تازه‌ها

«شب بی‌قراری من» منتشر شد

طعم شربت آبلیمو

کتاب «شب بی‌قراری من» نوشته مونس عبدی‌زاده دربرگیرنده زندگی‌نامه شهید مدافع حرم احمد گودرزی، چاپ و روانه بازار نشر شد. این کتاب سیزدهمین عنوان از مجموعه «مدافعان حرم» است که انتشارات ۲۷ بعثت چاپ می‌کند.

شهید مدافع حرم، سرهنگ پاسدار احمد گودرزی، اول فروردین ۵۷ در شهرستان بروجرد به دنیا آمد. وی تابستان‌ها کار می‌کرد تا خرج تحصیلش را دربیاورد و این‌گونه کمی فشار را از دوش پدرش بردارد.

شهید گودرزی عضو لشکر ۲۷ محمد رسول ا... (ص) بود که ۱۷ اسفند ۱۳۹۴ در شهر حلب سوریه به شهادت رسید. کتاب زندگی این شهید یازده فصل، عکس‌ها و اسناد مربوط به شهید گودرزی را شامل می‌شود. این کتاب با ۱۹۲ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۷۰ هزار تومان منتشر شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«احمد از روز اول ورود به پادگان بحوث مریض می‌شود. جعفر مرادی و بقیه هرچه اصرار می‌کنند به بهداری برود، قبول نمی‌کند. بچه‌ها می‌گویند آب به‌آب شده! توی آن دو روز رنگ صورتش زرد می‌شود و تنش لاغرتر از قبل، تا جایی که نمی‌تواند همراه بهادر و محمد شجاع و عرب‌پور و بقیه برای شناسایی برود، حتی وقتی برای کارهای آمادی و تحویل گرفتن خودروها می‌روند، احمد نمی‌تواند حاضر بشود. از سیدی، که مسئول تدارکات است، می‌خواهد برایش آبلیمو بیاورد. سیدی با هر زحمتی هست آبلیمو پیدا می‌کند و برایش شربت درست می‌کند.

مرادی هم برایش از درمانگاه فاطمیون شربت می‌گیرد. زمزمه‌هایی بین فرماندهان می‌افتد که اگر حال احمد همین طور بماند باید به ایران برگردد. حاج‌حسین اسداللهی همین که از راه می‌رسد، برای احوالپرسی بچه‌ها می‌آید. حال احمد را که می‌پرسد، بچه‌ها می‌گویند حالش خوب نیست و باید برگردد، اما احمد اصلا به فکر برگشتن نیست.

رسیدگی بچه‌ها باعث می‌شود روز آمدن نیروها حالش بهتر شود. قبل از شانزدهم مهر، فرماندهان اتاق نیروهایشان را انتخاب می‌کنند. محل استقرار نیروهای ایرانی داخل یکی از سوله‌هاست؛ سوله‌ای که راهروی بلندی دارد با چندین اتاق در چپ و راست آن. سیدی اتاق‌ها را نشان می‌دهد و می‌گوید اتاق‌های سمت راست برای یگان‌های خوزستانی و اراکی است.

احمد چند تا از اتاق‌های سمت چپ را برای نیروهایش انتخاب می‌کند. همان بدو ورود خبر شهادت حاج‌حسین همدانی می‌رسد. شوک بزرگی برای بچه‌هاست. حاج حسین اسداللهی به بچه‌ها قوت قلب می‌دهد.»



رمان بی‌اسمی در کتابخانه عمومی خاتم‌الانبیای رشت نقد و بررسی شد

آمیختگی متن و زیرمتن در رمان احمد شاکری



کتابخانه عمومی خاتم‌الانبیای رشت میزبان نویسندگان کانون ادبی راوی گیلان بود تا به بررسی و تحلیل یک رمان «بی‌اسمی» اثر احمد شاکری (نویسنده، منتقد و مدرس داستان) بپردازند. در این نشست، سمیه انصاری، نویسنده و کتاب را معرفی کرد و سپس سعیده شبرنگ (نویسنده و منتقد) از قطار که محمل قصه بی‌اسمی است، سخن گفت و سفر و حرکت را اسبابی برای تغییر و شدن دانست.

وی عنصر تعلیق را در نیمه ابتدایی داستان پررنگ و قوی دانست و گفت: ما در بی‌اسمی با «دوی امدادی تعلیق» مواجه‌ایم؛ یعنی مسأله اول در داستان با این‌که توانسته در ذهن مخاطب قلاب‌اندازی کند، بعد از مدتی جای خود را به مسأله، پرسش و تعلیق بعدی می‌دهد و در ادامه نیز تعلیق بعدی، جدا از این‌که موضوع را از کسالت‌باری خارج کرده، بر جذابیت کار نیز می‌افزاید.

با دو گونه شخصیت مواجه هستیم

سعیده شبرنگ همچنین به شخصیت‌های متعدد در داستان اشاره کرد و گفت: ما در بی‌اسمی با دو گونه شخصیت روبه‌رو هستیم؛ شخصیت‌های انسانی مثل مرد، قاسم، علی اکبر، حسین و...، شخصیت‌های غیرانسانی مثل قطار، انگشتر، درد و... این درد به قدری تشخص دارد که مخاطب، آن را احساس و ادراک می‌کند و اصطلاحا حواس او در داستان درگیر می‌شود.

طاهره مشایخ (نویسنده) نیز با اشاره به نحوه روایت در داستان گفت: در بی‌اسمی، عبارات بسیاری وجود دارد که به مثابه کوتیشن و قصار است. شبرنگ در ادامه سخن مشایخ به این نکته اشاره کرد که اساسا شگرد نویسنده، در شکل‌دهی فرم رمان، استفاده از این نحو روایت و به کارگیری این شکل از دیالوگ‌ها بوده‌است.

خالی از روایت‌ها و خرده ماجراها

شبرنگ با بیان این نکته که رمان بی‌اسمی، ماجرایی یک خطی دارد و خالی از روایت‌ها و خرده ماجراهای متقاطع است، گفت: البته همان ماجرای اصلی به قدری پیچیدگی و غموض دارد که جذابیت اثر از دست نرود.

این رمان یک لایه سطحی و لایه عمقی دارد که تقریبا از نیمه دوم داستان توجه مخاطب را به آن لایه معناگرا معطوف می‌کند.

وی داستان را سرشار از حکمت‌های انسی دانسته و گفت: حکمت انسی می‌کوشد امر مستور را از دل گزاره‌ها و پدیدارها بازشناسی و کشف کند. این قرب بلاواسطه به قدری در هنر دینی حائز اهمیت است که بعضی از صاحب‌نظران اساس هنر دینی را حکمت انسی دانسته‌اند.

سوختن، مرحله‌ای از سلوک است

شبرنگ گفت: اسم از اولین گزاره‌ها در هویت‌بخشی به هر ماهیتی در عالم است. وقتی چیزی بی‌اسم باشد یعنی با یک ماهیت مبهم طرفیم که فصل مهمی از تعین و تشخص را ندارد. بی‌نام‌بودن مرد، نام‌های شخصیت‌های اصلی (حسین و عباس و اصغر و قاسم و....) تمثیلی از شخصیت‌های عاشورا هستند. گم کردن اسم اعظم و در نهایت، گمنامی که همان رسیدن به مرتبه فناء است، همگی حول محور گزاره «اسم» می‌گردند.

وی سپس به تماثیل موجود در داستان اشاره کرد و گفت: سوختن مرحله‌ای از سلوک است و اسبابی برای پاکسازی و رسیدن به مراحل بالاتر. اعداد نیز در این رمان، عالمانه انتخاب شده‌اند. عدد ۴۰ که سن پختگی است، عدد ۱۷ که تعداد شهدای بنی‌هاشم است و عدد ۶۹ که مطابق ابجد نام حضرت زینب است.

نگاه عرفانی نویسنده

شبرنگ درباره رویکرد معناگرایانه و نگاه عرفانی بی‌اسمی گفت: هر اثری یک متن (Text) و زیرمتن (context) دارد. لایه‌های سطحی اثر برای همه مخاطبان قابل درک و دریافت است اما زیرمتن و لایه‌های درونی، نیازمند توجه ویژه است. در بی‌اسمی، متن و زیرمتن آمیختگی بسیاری با هم دارند به حدی که مرزی میان آنها نمی‌توان قائل شد.

با توجه به این‌که بی‌اسمی یک داستان دفاع‌مقدسی است، باید به نگاه عرفانی نویسنده به این مقوله توجه کرد. ما در آثار پژوهشی، مستند و سینمایی، این رویکرد را مشاهده می‌کنیم اما جای این نگاه در ادبیات داستانی خالی بود. بی‌اسمی از این لحاظ بدیع و نوآور است.

سوختن مرحله‌ای از سلوک است و اسبابی برای پاکسازی و رسیدن به مراحل بالاتر. اعداد نیز در این رمان، عالمانه انتخاب شده‌اند

هرچه قصد داشتم بگویم در دل اثر بیان کرده‌ام

احمد شاکری، نویسنده رمان بی‌اسمی که به صورت مجازی با جلسه همراه بود، گفت: اکنون نزدیک به هفت سال از انتشار اثر می‌گذرد و من کار خودم را انجام داده و هرچه قصد داشتم بگویم در دل اثر بیان کرده‌ام. حالا باید ببینیم تا چه اندازه موفق بوده‌ام و آیا آنچه مدنظرم بوده را مخاطب برداشت کرده یا خیر.

وی ضمن ابراز خرسندی از این‌که یک جمع آشنا به فنون داستان، اثرش را مطالعه کرده و با نگاهی عمیق خوانده‌اند، افزود: بی‌اسمی در جاهای دیگری توسط منتقدان نقد و بررسی شده‌است اما نکاتی که امروز در این جلسه بیان شد، در هیچ یک از دیگر جلسات نقد بی‌اسمی با وجود انتظارم اشاره نشد و این به معنای آن است که یک جمع حرفه‌ای در گروه راوی، داستان را خوانده و توجه کرده‌اند.

نمونه موفق در پرداختن به وجه معنوی دفاع‌مقدس

حامد اشتری (نویسنده و مدرس داستان) نیز گفت: وقتی نویسنده قرار باشد از تمثیل و حکمت در داستان استفاده کند، ناگزیر است که برخی عناصر را به صورت حداقلی در اثرش استخدام کند.

در این سبک، نویسنده ناگزیر است اندکی از قصه‌گویی صرف فاصله بگیرد؛ چراکه اگر بخواهد آن مقصود متعالی را در داستان بگنجاند، نمی‌تواند ماجرا محور بنویسد. می‌توان بی‌اسمی را به عنوان یک نمونه موفق در پرداختن به وجه معنوی دفاع مقدس، از اولین گام‌ها در این مسیر برشمرد.

